



## مصطفی مقربى

### ایرج افشار

مصطفی مقربى از فضلاى متخصص در دستور زبان و از نظریه پردازان در زمینه شیوه املای فارسی روز نهم مهرماه ۱۳۷۷ در لندن درگذشت. سفرى کوتاه به آنجا رفته بود که از تارى چشم خود بکاهد. اما سفرش بی بازگشت بود. جسدش به تهران رسید و در خاکجای استادان و ادیبان به خاک سپرده شد.\*

او در تهران به سال ۱۲۹۵ زاده شد. پس از آن که دوره دبیرستان دارالفنون را به پایان رسانید (۱۳۱۲) تحصیل در دانشسرای عالی را آغاز کرد و چون دوره تحصیلات آنجا را گذرانید به مقام دبیری رسید و به تدریس پرداخت. نخستین سال دبیری او در کرمانشاه گذشت. پس از آن مدت دو سال در دبیرستان نظام شیراز درس می گفت.

او از سال ۱۳۲۱ به تهران آمد و به دبیری پرداخت و چون دوره دکتری ادبیات فارسی در دانشگاه تهران تأسیس شده بود و او دبسته تحصیل و تحقیق بود به گذرانیدن دروس دکتری پرداخت و آنها را در مدت دو سال به سرانجام رسانید. پس از آن به قصد رساله نویسی، پژوهش در موضوع «نام آوا در زبان فارسی» را که از دوره لیسانس برای ابراز نظریه علمی خود اختیار کرده بود ادامه داد. او از سال ۱۳۲۵ برای تألیف رساله یادداشت برداری می کرد، به وسواس و دقت ولى بی هیچ گونه تعجیل و قید. نظرش بر آن بود که زیر نظر مرحوم عبدالعظیم خان قریب ترتیب تألیف آن را بگذارد (به گفته منوچهر

\* نظر به اهمیت رویداد، در این شماره نامه فرهنگستان (زمستان ۱۳۷۶)، که با تأخیر انتشار می یابد، از استاد یاد شده است.



شعبه مشاغل علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
موسسه تحقیقات تاریخ و باستان



ستوده) ولی چون قریب مرحوم شد گمانم بر آن است که با مرحوم دکتر محمد مقدم می‌خواست کار خود را به سرانجام برساند. به محض آنکه سخنی از کسی می‌شنید که نکته‌ای را برای کار او در برداشت بر روی تکه کاغذی یادداشت می‌کرد و در جیب می‌گذاشت و به دقت اوراقی می‌سپرد که در مدت چهل سال گردآوری آنها را شغل شاغل خود ساخته بود. دامنه گرفتن کار و کند بودن مرحوم مقربی موجب شده بود که دوستان نزدیک نام کتابش را به شوخی «فس‌نامه» گذاشته بودند.

از میان استادان دانشگاهی خود به سه دانشمند نامور بیش از همه علاقه‌مند بود: ابراهیم پورداود، بدیع‌الزمان فروزانفر و دکتر محمد مقدم. با سعید نفیسی هم نشست و خاست داشت.

مقربی در کنار تدریس رسمی و پژوهش‌های تخصصی خود همواره به همکاری فرهنگی و تعاطی فکر در مسائل آن علاقه‌مند بود و به طور منظم انتشار کتاب‌های جدید در رشته‌ها و زمینه‌های ادبی و تاریخی و زبانی را دنبال می‌کرد و پی‌جو بود که هر یک را کدام مؤسسه نشر کرده است و دربرگیرنده چه مباحثی است.

نخستین دوره فعالیت او در انجمن ایران‌شناسی بود. این انجمن در سال ۱۳۲۳ به ابتکار ابراهیم پورداود تشکیل شد و اعضایش در آغاز عبارت بودند از احمد افشار شیرازی، ابراهیم پورداود، دکتر اوونس حق‌نظریان، محمد دبیرسیاقتی، منوچهر ستوده، دکتر ذبیح‌الله صفا، هانری کرین، محمد مگری (کیوان‌پور)، محمدجواد مشکور، دکتر محمد معین، مصطفی مقربی. این اسامی بر روی دومین نشریه انجمن که «جشن سده» عنوان دارد چاپ شده است (تهران ۱۳۲۴).

من آن وقت در دبیرستان فیروز بهرام در رشته ادبی بودم و مقرّ انجمن مذکور در آن دبیرستان بود. انجمن کلاس‌هایی برای آموزش فرهنگ ایران باستان و زبان پهلوی دایر کرده بود. از نزدیک می‌دیدم که با چه شور و شوقی اعضای مذکور به کارهای انجمن می‌پردازند. انجمن پنج نشریه بیش منتشر نکرد ولی دوره‌های هم‌نشینی آن تا سال ۱۳۳۰ در خانه پورداود و گاه خانه دکتر معین دوام داشت و من هم که به عضویت پذیرفته شده بودم در آن جلسات گاه به گاهی از محضر دوستان مستفید می‌شدم. مرحوم مقربی از پاهای قرص همه جلسه‌ها بود.

دومین دوره فعالیت مقربی به همکاری با گروه ناشر مجله فرهنگ ایران زمین اختصاص

یافت. این گروه از سال ۱۳۳۲ کار خود را آغاز کرد. محمدتقی دانش‌پژوه و دکتر منوچهر ستوده و مقربی و دکتر عباس زریاب و من مؤسس آن بودیم. ما نخستین شماره از مجله خود را در فروردین ۱۳۳۲ منتشر کردیم و مقربی از روز نخست در پا گرفتن آن پای افشاری می‌کرد. دو مقاله از او در دوره‌های مجله بیش نیست ولی این هر دو ماندگار است: یکی ترجمه مقاله‌ای است از بیستن، مستشرق انگلیسی، درباره مقدمه علی بن شاه بر کلیله و دمنه و دیگر ترجمه رساله‌ای از ولادیمیر مینورسکی درباره ویس و دامین. جز این مقاله‌ای هم در معرفی چند کتاب دارد که در آن مجله چاپ شده است.

سومین دوره فعالیت مقربی با مجله راهنمای کتاب ربط پیدا می‌کند. او در پایه‌گذاری و انتشار این مجله کمک دلسوز و هم‌قلم خوبی بود. نامش در سه ساله نخستین آن مجله مندرج است و مقالاتی در نقد کتاب از او در دوره‌های آغازین این مجله درج شده است. چهارمین دوره فعالیت مقربی همکاری او با گروهی است که به فرهنگ اصطلاحات جغرافیایی پرداخت. دکتر غلامحسین مصاحب، احمد آرام، دکتر محمدحسن گنجی و چند تن دیگر در آن کار بودند و مصطفی مقربی هم با شور و توانایی در آن جمع شرکت می‌کرد و مجموعه‌ای ساختند که به چاپ رسید.

پنجمین دوره فعالیت مقربی به دوره‌ای مخصوص می‌شود که با مؤسسه انتشارات فرانکلین به کار پرداخت. کارهای او در این ایام عبارت بوده است از:

۱. ترجمه و تهیه مقالات برای دائرةالمعارف فارسی که زیر نظر دکتر غلامحسین مصاحب انتشار یافت (دو جلد آن - و جلد سوم زیر نظر رضا اقصی).
۲. تهیه مقالات برای جلد هجدهم فرهنگنامه فارسی که زیر نظر رضا اقصی فراهم می‌شد. این جلد خاص مباحث مربوط به ایران بود.
۳. ترجمه دو کتاب تاریخ جهان برای خردسالان و سقوط قسطنطنیه.
۴. برنامه‌ریزی کتاب‌های درسی و مشارکت در تألیف آنها. به همین منظور بود که سفر چندماهه‌ای به امریکا رفت.

ششمین دوره فعالیت مقربی کار آوازه‌مندی است که در زمینه رسم‌الخط فارسی انجام داد. او پس از مرحوم احمد بهمنیار نخستین کسی است که به طور جدی و با مبانی ضروری به این کار پرداخت. البته عده‌ای هم با عقاید ابراز شده او مخالفت کردند. یادم است مرحوم جلال همایی بر نسخه‌ای از رساله متضمن شیوه پیش‌نهادی مقربی

یادداشت‌های مفصلی نوشته بود و نسخه‌ای هم به من لطف کرد. آن قدر که به یاد دارم مرحوم همایی آن یادداشت‌ها را در نشریه‌ای به چاپ رسانیده است. کار مقربی نخست در مجله سخن انتشار یافت. پس از آن که دکتر پرویز ناتل خانلری به وزارت فرهنگ رسید موضوع شیوه خط را جدی گرفت و محفل علمی خاصی ترتیب داد و مخصوصاً طرح مصطفی مقربی در آنجا به بحث گذاشته شد. نظریه مقربی در این اصول بر پایه تفکیک و استقلال کلمات بود. او ترکیب و به هم چسباندن را درست نمی‌دانست.

هفتمین دوره فعالیت مقربی همکاری با فرهنگستان زبان بود که آقای دکتر صادق کیا ریاست آن را بر عهده داشت. دکتر کیا با دکتر مقدم و ذبیح بهروز گروه معروف به ایران کوده را داشتند. ایران کوده نام نشریه‌ای بود که گاه‌گاهی انتشار می‌یافت. مصطفی مقربی چون به مرحوم دکتر مقدم نزدیک بود به طور جدی به دکتر کیا در فرهنگستان مذکور در زمینه رسم الخط و نیز مباحث دستوری کمک می‌کرد.

هشتمین دوره فعالیت مقربی مقاله نویسی در دو زمینه، یکی معرفی کتاب‌های در زمینه تخصص او و دیگر در رشته زبان و لغت و ادب بود. مقالات او در سخن و راهنمای کتاب و یغما و چستا و زبان‌شناسی نشر شده است و مجموعه هزده گفتار (چاپ انتشارات توس) تألیف او نمونه‌ای است از بصیرت و ذوق مقربی در نگارش مقاله‌های پژوهشی.

مقربی در غلط‌گیری پر وسواس بود. حروف چین از دست او عاصی و بیچاره می‌شد. چند بار (بیش از حد متعارف) نوشته را غلط‌گیری می‌کرد و هر بار در آن دست می‌برد و به جای غلط‌گیری مطبوعه‌ای مقداری مطالب تازه بر آن می‌افزود یا در نوشته پیشین دست می‌برد و سلیقه تازه‌ای اعمال می‌کرد. با وجود این، وقتی مقاله منتشر می‌شد مقداری غلط داشت. مقربی برمی‌آشفتم و غلط‌نامه درست می‌کرد و با اصرار تمام علاقه داشت آن غلط‌نامه‌ها به چاپ رسانیده شود.

نهمین دوره فعالیت مقربی عضویت او در سومین دوره فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۶۹) است که به شایستگی و بایستگی بدین مقام انتخاب شده بود و با دلسوزی و دل‌بستگی به کارهای پژوهشی آنجا می‌رسید. آنچه را در آنجا انجام داده است می‌باید از زبان همکارانش در آن مؤسسه شنید و امید است به طور یادداشت به دنبال این نوشته نگاشته و چاپ شود.

اینک نظری می‌افکنیم به فهرست سال‌شماری از نوشته‌های او:

### فهرست تألیفات و همکاری‌های قلمی

- ۱۳۲۴ جشن سده، نشریه شماره ۲ انجمن ایران‌شناسی
- ۱۳۳۲ انتشار فرهنگ ایران زمین
- ۱۳۳۳ «مقدمه علی بن شاه بر کلیله و دمنه» (ترجمه مقاله بیستن)، فرهنگ ایران زمین، ۲ (۱۳۳۳): ۳۷۲-۳۷۶ (تجدید چاپ در هژده گفتار)
- ۱۳۳۵ «فرهنگ بهدینان» [از جمشید سروشیان]، سخن، ۷ (۱۳۳۵): ۷۳۶-۷۳۶
- ۱۳۳۵ «ویس و رامین» (ترجمه مقاله ولادیمیر مینورسکی)، فرهنگ ایران زمین، ۴ (۱۳۳۵): ۳-۷۳ (تجدید چاپ در هژده گفتار)
- ۱۳۳۶ (معرفی نه کتاب)، فرهنگ ایران زمین، ۵ (۱۳۳۶): ۲۶۲-۲۶۴
- ۱۳۳۷ «تاریخ ادبیات فارسی» [از ه. اته]، ترجمه دکتر رضا زاده شفق، سخن، ۹ (۱۳۳۷): ۱۱۷۶-۱۱۷۸ (تجدید چاپ در هژده گفتار)
- ۱۳۳۷ «سفرنامه ابن بطوطه» [ترجمه محمدعلی موحد]، راهنمای کتاب، ۱ (۱۳۳۷): ۵۵-۶۰
- ۱۳۳۷ انتشار راهنمای کتاب
- ۱۳۳۷ «منطق الطیر» [از عطار - تصحیح محمدجواد مشکور]، راهنمای کتاب، ۱ (۱۳۳۷): ۲۹۹-۳۰۲
- ۱۳۳۷ «ویس و رامین» [از فخرالدین گرگانی - تصحیح محمدجعفر محجوب]، راهنمای کتاب، ۱ (۱۳۳۷): ۴۴۹-۴۵۳
- ۱۳۳۸ تاریخ جهان برای خردسالان [ترجمه کتاب و. هیلیر]
- ۱۳۳۸ «تاریخ ماد» [از دیاکونف]، نقد ر. گیرشمن، راهنمای کتاب، ۲ (۱۳۳۸): ۵۹۶-۶۰۸
- ۱۳۳۸ «چگونه باید نوشت»، سخن، ۱۰ (۱۳۳۸): ۵۷۸-۵۸۰ (تجدید چاپ در هژده گفتار)
- ۱۳۳۸ «حرف به سخن»، ۱۰ (۱۳۳۸): ۲۳۵-۲۴۰ (تجدید چاپ در هژده گفتار)
- ۱۳۳۸ «دیوان انوری» [تصحیح محمدتقی مدرس رضوی]، سخن، ۱۰ (۱۳۳۸): ۳۳۶-۳۴۱

- ۱۳۳۸ فرهنگ اصطلاحات جغرافیائی [با همکاری دیگران]،
- ۱۳۳۸ «کشف الاسرار و عدة الابرار» [از ابوالفضل میبدی - تصحیح علی اصغر حکمت]، راهنمای کتاب، ۲ (۱۳۳۸): ۴۰۷-۴۰۹
- ۱۳۳۸ «وزن شعر فارسی» [از دکتر پرویز ناتل خانلری]، راهنمای کتاب، ۲ (۱۳۳۸): ۲۶۵-۲۷۰ (تجدید چاپ در هژده گفتار)
- ۱۳۳۹ «زندگانی شگفت آور تیمور» [از ابن عربشاه - ترجمه محمدعلی نجاتی]، سخن، ۱۱ (۱۳۳۹/۹۰): ۱۳۲۲-۱۳۲۳
- ۱۳۳۹ سقوط قسطنطنیه [ترجمه از کتاب ب. کیلنی]
- ۱۳۳۹ «شیوه خط فارسی»، سخن ۱۱ (۱۳۳۹/۴۰): ۷۳۳-۷۴۶ و ۸۶۷-۸۷۲ و ۱۱۸۲-۱۱۸۳ (تجدید چاپ در هژده گفتار)
- ۱۳۴۰ «تذکره میخانه» [از عبدالنبی قزوینی - تصحیح احمد گلچین معانی]، راهنمای کتاب، ۴ (۱۳۴۰): ۱۵۸-۱۶۳ (تجدید چاپ در هژده گفتار)
- ۱۳۴۱ «دیوان سروش» [تصحیح محمد جعفر محبوب]، سخن، ۱۲ (۱۳۴۰/۴۱): ۱۲۶۸-۱۲۷۰
- ۱۳۴۱ «المصادر» [از روزنی - تصحیح تقی بینش]، سخن، ۱۲ (۱۳۴۰/۴۱): ۸۵۱-۸۵۶
- ۱۳۴۲ «پیشنهاد برای یکسان شدن رسم الخط فارسی»، آموزش و پرورش، ۳۳ (۱۳۴۲): ۱۰-۱۵
- ۱۳۴۲ «تاریخ ادبیات ایران» [از ادوارد براون، ترجمه فتح الله مجتبیائی]، سخن، ۱۴ (۱۳۴۲): (تجدید چاپ در هژده گفتار)
- ۱۳۴۲ «زبان داستان» راهنمای کتاب، ۶ (۱۳۴۲): ۳۸-۴۱ (تجدید چاپ در هژده گفتار)
- ۱۳۴۲ «صحاح الفرس» [از هندوشاه، تصحیح عبدالعلی طاعتی]، سخن، ۱۴ (۱۳۴۲/۳): ۴۸۳-۴۸۴
- ۱۳۴۲ «عروض حمیدی» [از دکتر مهدی حمیدی]، راهنمای کتاب، ۶ (۱۳۴۲): ۷۸۰-۷۸۷ (تجدید چاپ در هژده گفتار)
- ۱۳۴۴ «اسکندرنامه» [تصحیح ایرج افشار]، راهنمای کتاب، ۸ (۱۳۴۴): ۳۵-۳۷
- ۱۳۴۵ «تحلیل اشعار ناصر خسرو» [از دکتر مهدی محقق]، راهنمای کتاب، ۹ (۱۳۴۵): ۳۰۰-۳۰۲

- ۱۳۵۳ «اگر» در گلستان»، عامری‌نامه، ۱۳۵۳، ص ۳۴۳-۳۶۳ (تجدید چاپ در هژده گفتار)
- ۱۳۵۶ «ترکیب در زبان فارسی»، سخن، ۲۶ (۱۳۵۶): ۴۲۲-۴۳۱
- ۱۳۵۶ «دست فشردن، دست ببردن، سوگند سخت خوردن»، یادگارنامه حبیب یغمائی، تهران ۱۳۵۶، ص ۴۵۳-۴۶۹
- ۱۳۵۷ «چند رسم پهلوانی در شاهنامه»، شاهنامه فردوسی و شکوه پهلوانی، انتشارات سروش، تهران ۱۳۷۵ (تجدید چاپ در هژده گفتار)
- ۱۳۶۲ «باز هم قافیه»، مجله آینده، ۹ (۱۳۶۲) (تجدید چاپ در هژده گفتار)
- ۱۳۶۵ «بیتی از حافظ»، حافظ‌شناسی، ۳ (۱۳۶۵): ۲۰-۲۶ (تجدید چاپ در هژده گفتار)
- ۱۳۶۵ «جمله‌های شرطی در زبان فارسی»، مجله زبان‌شناسی، ۳ (۱۳۶۵): ۱۰۷-۱۱۲
- ۱۳۶۵ «دریازه فعلهای فارسی»، نامواره دکتر محمود افشار، ۲ (۱۳۶۵): ۱۱۶۲-۱۱۸۷ (تجدید چاپ در هژده گفتار)
- ۱۳۶۷ «آذرشب یا آذرشست و آذرشین؟» چیستا، ۶ (۱۳۶۷): (تجدید چاپ در هژده گفتار)
- ۱۳۶۷ «دریازه 'اگر'»، مجله زبان‌شناسی، ۵ (۱۳۶۷): ۱۱۵-۱۱۸
- ۱۳۶۹ «چند پسوند فارسی»، مجله آینده، ۱۶ (۱۳۶۹): ۵۹-۷۰ و ۱۷ (۱۳۷۰): ۳۹۵-۴۱۴
- ۱۳۷۰ «فعلهایی که از ریشه‌ای مختوم به 'ن' در زبانهای کهن ایرانی ساخت یافته است و برخی از مشتق‌های اسمی و وصفی آنها»، قافله سالار سخن، تهران ۱۳۷۰، ص ۲۷۳-۲۸۲ (نیز در مجله ایران‌شناسی، ۳ (۱۳۷۰): ۳۴۵-۳۵۱ چاپ شده است)
- ۱۳۷۰ «یک نام‌آوای فارسی»، یکی قطره باران، تهران، ۱۳۷۰، ص ۵۹۳-۶۰۳ (تجدید چاپ در هژده گفتار)
- ۱۳۷۱ «افزایش واج‌های 'ب' و 'ن' در پاره‌ای از فعل‌های فارسی»، هفتاد مقاله، ۲ (۱۳۷۱): ۵۱۱-۵۱۸ (تجدید چاپ در هژده گفتار)
- ۱۳۷۱ «چرا؟ اِرا»، کتاب سخن، تهران ۱۳۷۱ (تجدید چاپ در هژده گفتار)
- ۱۳۷۲ ترکیب در زبان فارسی، انتشارات توس، تهران ۱۳۷۲



- ۱۳۷۵ هزده گفتار، انتشارات توس، تهران ۱۳۷۵  
 بهمن ۱۳۷۵ (ویرایش اول) وندهای زبان فارسی  
 فروردین ۱۳۷۷ (ویرایش دوم) وندهای زبان فارسی  
 ۱۳۷۷ «میانوند» ارج‌نامهٔ ایرج، تهران ۱۳۳۷، ج ۲، ص ۳۳۷-۳۴۱

ملاحظهٔ این فهرست خواننده را درست متوجه می‌کند که مقربی به‌مانند هر متخصصی، قلم را از قلمرو اطلاعات و مباحث آشنای ذهن خود بیرون نمی‌گذاشت. زبان و ادبیات دو میدان علمی او بود. آنچه نوشت در این دو زمینه بود و بیشتر گرایش او به دستور زبان و نکته‌هایی از آن مبحث بود، آنچه دیگران دربارهٔ آن سخنی نگفته باشند. او همیشه جستجوگر و تازه‌جوی بود.

مقربی در نوشتن درست‌نویس، ساده‌نویس و کوتاه‌نویس بود. از حشونویسی پرهیز داشت. او را با تکرار کلمات متشابه و صنعت‌های بلاغی و مجامله‌کاری‌های ادبی کاری نبود. در نوشتن پیرو قواعد آن دستوری بود که ذهن او را همیشه مشغول می‌داشت. گویی نمونه‌هایی که در کلاس درس دستور زبان به دانش‌آموزان و دانشجویان می‌آموخت سرمشق او در نویسندگی است. نه کم می‌گفت نه زیاد. البته کم حرف هم بود. در مجامع دوستانه سخنی نمی‌گفت تا ضرورتی پیش نمی‌آمد. در جلسات رسمی کم سخن‌تر می‌شد.

او ریزنویس هم بود. یعنی خطش به خط «غبار» نزدیک می‌شد. از گوشهٔ دست راست بالای ورق کاغذ به نوشتن آغاز می‌کرد و تا جایی که ورق جا داشت می‌نوشت. معمولاً صفحهٔ کاغذ را به اندازهٔ سخنی که می‌خواست تحریر کند برمی‌گزید.

آخرین نوشته‌ای که از او خواندم - و پس از مرگش خواندم - مقالهٔ «میان‌وند» است که از راه لطف و کرم دوستی در مجموعه‌ای منتشر کرده است که انتشارات توس به نام ارج‌نامهٔ ایرج به چاپ رسانیده. یاد مقربی پایدار باد که همیشه مرا می‌نواخت و مراتب دوستی میان ما بر دوام بود. امروز به نامه‌های سال‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۳۶ او می‌نگریستم که به اروپا فرستاده و در آنها قلم به قلم مطالب مربوط به زحمات مختلفی را که به او واگذارده بودم توضیح داده است. با دیدن و خواندن آنها بهتر از آنچه در ذهنم بود دریافتم چه گوهری را در عالم دوستی از دست داده‌ایم. □